

وقت و جاعه نزدگان فریض با ایشان بود در جوار صومعه راهی منزل  
کردند و آن راهب بیرون آمد و در میان قافله میگردید تا پیغمبر علیه  
الصلاة والسلام را برید و دست مبارک وی گرفت و گفت این سید  
پادشاه آدم است این رسول رب العالمین است این رحمت عالم است  
خواب بود بران فریض گفتند از چه مقام کردی راهب گفت چون قافل  
از غنچه ظاهر شدیم درخت و سسل بود الا که هیچی رفتند و ایشان  
از برای غیر پیغمبر صلوات و او را به خانم بنویس که در زبانه وی است  
چی شناسم و احتیاط کرد و بدید و طحایی از برای ایشان ترتیب کرد  
و فریض را بخواند و حضرت رسالت علیه الصلاة والسلام را استر در هوا  
بود و از پیغمبر خواند و چون معرفت او را بدید بر سر وی سایه انداخته  
با وی معرفت و چون به قوم رسید و در سایه درختی نشستند و در او از  
طریق سایه بود نشستند و فی الحال درخت بگردید و سایه بود  
انداخت راهب گفت احتیاط کنید که سایه از شما بگردد و در وی  
اقتاد راهب در اینستاد و ایشان ترا سولند جبار و او را بوم برید  
که اگر در میان او را بشناسند قصد وی کنند تا آنگاه تحت لیس از طرف  
روم رسیدند و در راهب فرو آمدند و گفتند ما رسیدیم به پیغمبری که پیش  
خواه رسید درین راه گذارد خواه هر کرد و در جمع راهب بوم فرستاد ایم  
و خود به این راه آیدیم تا او را قصد کنیم راهب گفت شکلی هستند  
از خود ما را که گفته اند گفتند که فریض را می خواندند

و واقع شود شما وضع آن توانید که گفته اند گفت لکن باز در  
ایشان باز گشتند و راهب سولند به ابوطالب در او را  
باریس کرد اند و ابوبکر بلال را با وی هم کرد و راهب لکن وقت  
به زود به ایشان طرد و در **کرا** آن بود که این جناس رنجی  
عنهما روایت کند که زنی کاهنه در کعبه بود و فریض بروی حجره شدند  
و گفتند خیره یا بای کدام از ما به اتو قدم ابرویم علیه السلام که در مقام  
ادست می ماند کاهنه گفت مجموع فرزندان خود حاضر کرد و از تیر  
و عمر حاضر شدند و گفت حکم هر چه نرم بگفت بر زمین و کل بل بیان  
کنز کنید پس حکم را پیدا کنند و فریض بران کنز بود و در آن عمر  
حضرت رسالت علیه الصلاة والسلام کنز کرد کاهنه گفت پای این  
شخص مشابهت با بای ابرویم پیش دارد و بعد از اینست سال دیگر  
پیدا کنند و در **کرا** آن بود که اصغر روایت کند که چون حضرت  
رسالت علیه الصلاة والسلام از فریض متواری شد و ایشان را طلب  
وی بودند و ابوبکر را سلی جهت قضاة با خود داشتند و آن قدم وین  
دید و گفت جز این شخص را ندیده ام اما میبرایم که این پای مشابهت  
این پای است که در مقام ابرویم از اولاد و ابوسنیان حصد بردند  
تو حرف شد و در **کرا** آن بود که در رسته شخصی مجلس  
امیر المؤمنین عمر ریفی انداخته کنز کرد و عمر گفت این شخص باید  
کاهنه باشد او گفت یا امیر المؤمنین اهل صابرا لیه السلام